

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

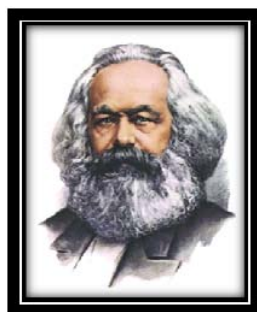
مسایل ایدئولوژیک

شباهنګ راد

۱۳۰۳۰۱۰

به یاد اندیشمند همه زمانه.

کارل مارکس



در ۱۴ مارچ ۱۸۸۳، انسانی بزرگ، اندیشمند و مغز متفکر جهان، - کارل مارکس - چشم از جهان فرو بست. انسانی که آثار و پراتیکش دنیا را تکان داد و راه نه تفسیر، بل راه و چگونگی تغییر جهان سراسر نابرابر را پیشروی آیندگان گذاشت. مارکس با افکار تحول‌گش دنیا را در هم ریخت و حامیان مناسبات سرمایه‌داری را دچار آشفتگی نمود. نشان داد که جامعه کارگران و زحمت‌کشان، جامعه سرمایه‌داران نیست و بر این اعتقاد بود که می‌توان پرچم دنیای مخالف با سرمایه را علم نمود. مارکس اقتصاد و مکانیزم سرمایه را به شیوه عملی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و اشکال نوین مبارزه طبقه بالنده علیه طبقه می‌رنده را پای ریخت.

تاریخ زندگانی مارکس، تاریخ آموزش و تاریخ بررسی دنیای پر تلاطم و تاریخ تعرض به متلاشی نمودن زندگانی ظالمان بود؛ تاریخی بود که تماماً به رهائی یگانه طبقه تا به آخر انقلابی مربوط می‌شد و در یک کلام تاریخ تغییر دنیای ناعادلانه بود.

مارکس در آغاز به "هگلیست" های جوان می‌پیوندد و در مدتی کوتاه به نقد افکار آنان می‌نشیند و به فعالیت‌های سیاسی روی می‌آورد و تا آخرین لحظه از عمر خود، به تفسیر و توضیح جهان نابرابر می‌پردازد. فعالیت‌های تئوریک و سیاسی مارکس بسیار و بسیار اند که از مهمترین و بار ارزش‌ترین آن‌ها - که همچنان بر سر زبان‌هاست - می‌توان "مانیفست حزب کمونیست" و "سرمایه" را نام برد. آثاری که از یکسو بنیان‌های فکری و رهائی کارگران از زیر سلطه سرمایه را نشان می‌دهد و از سوی دیگر با درایت تمام به اثبات می‌رساند که سرمایه تاریکاً رو به فناست.

بی تردید جایگاه مارکس در دنیای کنونی و در میان میلیاردها انسان محروم ویژه است. به دلیل این که هم در نظر و هم در عمل راه چگونگی رهایی بشریت از مظالم حاکمان و زورگویان را به تصویر در آورد و همواره به آینده و منفعت کارگران و زحمت‌کشان می‌اندیشید. به این اعتقاد بنیادی بود تا زمانی که شالوده اقتصاد سرمایه‌داری در هم ریخته نشود، سخن از تغییر زندگانی کارگران و زحمت‌کشان بی معناست. به همین اساس به نقد مآشآت طلبان، مشاطه‌گران و رفرمیست‌ها می‌نشست و ایده‌های انحرافی و سدکننده آنانرا با زبانی رسا افشاء نموده و به مبارزه می‌طلبید. ایده و افکار مارکس در بستر چنین شرایطی شکل گرفت و قوام یافت و بی دلیل هم نبود که دنیا از زمان تثبیت ایده‌های مارکس، به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ ایده نوین و تحول‌گرائی که در تقابل با ایدئولوژی فرتوت سرمایه عرض اندام نمود و توانست مهر خود را در دنیای سراسر ظلم و احجاف بکوبد و جهان را در مصافی آشتی ناپذیر دو طبقه متضاد از هم قرار دهد.

در حقیقت ارزش و خلاقیت کارل مارکس در توضیح و تفسیر علمی مقوله‌هایی همچون فلسفه، اقتصاد و سیاست بود. مارکس در این عرصه‌ها و با کاردانی تمام نشان داد که ایده‌های ما انعکاس جهان ماست که خارج از ذهن ما وجود دارد و سرمایه‌داران به یمن زور و سرکوب و از طریق استثمار طبقه کارگر قادر گردیده‌اند بر ثروت‌های نجومی خویش بیفزایند. بنابر این، انقلاب را به عنوان یگانه راه تغییر زندگانی طبقه کارگر و زحمت‌کشان توضیح می‌داد و همواره بر این ایده اصرار داشت که بدون گذر و تحقق چنین امری، چرخه استثمار و زورگویی‌های طبقات حاکم از حرکت باز نخواهد ایستاد.

نزدیک به یک‌قرن و نیم از مرگ مارکس می‌گذرد. اگر چه دنیا در این مدت دست‌خوش تغییر و تحولات متناوبی گردیده است، اما با قاطعیت و با صراحت تمام می‌توان اعلام نمود که ایده‌های بنیادی کارل مارکس و آن‌هم در عرصه‌هایی همچون فلسفه، اقتصاد و سیاست نه تنها کهنه نشده است و مختص به آن زمان نبوده و نمی‌باشد بل همچنان به قوت خود باقی‌ست و انتخاب‌باور و پیمودن راهی خلاف راه و آرمان‌های وی، خلاف راه و منفعت کارگران و همه زحمت‌کشان جهان است. بگذارید مدافعین استثمار و سرمایه در فقدان انسان‌های بزرگی همچون مارکس جشن و پایکوبی به راه بیندازند و به خود بقبولانند که مناسبات گندیده شان ابدی‌ست؛ اما دنیای بشریت و کمونیست‌ها بر این ایده مارکس پای می‌فشارند که قطعاً روزی مرگ سرمایه فرا خواهد رسید و کارگران سرتاسر جهان آنروز را به روز انسانیت و به روز حقانیت آرمان‌های انسانی که چیزی جز نابودی ظلم و ستم و استثمار نیست، مبدل خواهند ساخت.

۱۳ مارچ ۲۰۱۰

۲۲ اسفند [حوت] ۱۳۸۸